

مآخذشناسی متون فقهی، اصولی و قواعد فقه اهل سنت در مبسوط

مسعود انصاری^۱

محمد علی طاهری^۲

چکیده:

این پژوهش می‌کوشد با معرفی و شناخت مآخذ و منابع اهل سنت (در سه زمینه فقهی، اصولی و قواعد فقه) در "مبسوط" تألیف استاد جعفری لنگرودی جنبه‌های مقارنه‌ای و جایگاه تطبیقی این متن را مورد پژوهش قرار دهد. چرا که اعتبار و ارزش هر متنی در گرو شناخت منابع آن است و شناخت منابع، معلوم می‌دارد تطبیق و سنجش و مقارنه تا چه عمق و گستره‌ای انجام گرفته است. مبنای این پژوهش سخنی از خود مؤلف است که می‌گوید: «به کار بستن روش تطبیقی در بسیاری از مسایل حقوقی پربار و ثمربخش است.»^۳

صاحبان این قلم بر این باور هستند که کثرت رجوع مؤلف "مبسوط" به منابع فقهی، اصولی و قواعد فقهی اهل سنت به جنبه‌های تطبیقی آثار مؤلف غنا و اهمیتی دو چندان بخشیده است و از آشنایی او با علوم مرتبط و زبان و ادب عربی نشان دارد. در نتیجه این مقاله با تلاش برای ارائه تصویری از استنادات مؤلف به منابع اهل سنت در حوزه‌های پیش‌گفته، در صدد است زمینه‌های آشنایی مخاطبان امروزی فقه و حقوق اسلامی را با منابع مورد وثوق و اطمینان، با تبیین جایگاه اجمالی آنها، به طور ویژه در المبسوط فراهم سازد.

در نهایت باید در نظر داشت به دلیل گستردگی علوم اسلامی، به ویژه متون بین رشته‌ای و استنادهای مؤلف به مآخذ گوناگون، در این پژوهش تنها متون فقهی، اصولی و قواعد فقه مورد توجه قرار گرفته و نظر به محدودیت زمانی و ظرفیت این مقاله از متون کلیات و منابع غیرمرتبط صرف نظر شده است.

کلیدواژه: فقه تطبیقی، فقه المقارن (مقارنه و سنجش آرای ققیهان مذاهب فقهی و اصولی) مآخذشناسی، منابع فقهی اهل سنت، فقه و اصول حنفی، مالکی، شافعی

۱. پژوهشگر و مترجم. Email: ansari_khoshabar@yahoo.com

۲. عضو هیات علمی دانشگاه دولتی بیرجند. Email: m. taheri@birjand.ac.ir

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، گنج دانش، ۱۳۷۶، پیشگفتار.

در این مقاله قصد آن نیست که از فقه اسلامی به عنوان یک نظام حقوقی چندساختی و گسترده و پردامنه و دانشهای مرتبط با آن تعریفی جامع ارائه دهند؛ چرا که به اقتضای حجم در این مقاله نمی‌گنجد. بلکه هدف، بیان گزاره‌ای ساده و سنتی است که با آن مفهومی از اصطلاح فقه به عنوان فهم عمیق ناشی از ادراک جزئیات از دلایل تفصیلی حاصل آید.

این درک، گاهی از استعداد و ملکه پدید آمده در ذهن فقیه حاصل می‌شود و گاه از کندوکاو و یک اصطلاح یا جست‌وجو در متون، با دانش و احاطه‌ای که فقیه بر شرع دارد به دست می‌آید. هرگاه پدیده‌ای فرضی یا خودبنیاد، نظر فقیه را جلب کند، وی با تکیه بر مبانی مذهب و با استدلال و اجتهاد، حکم منقضی را از نصوص یا به تحلیل و استنباط خود به دست می‌دهد.

نظر به تحلیل رخدادهای و وقایع و دانش‌های پیش نیاز آن از جنبه‌های عملی شریعت اسلامی بسیار فراتر می‌رود و وارد حوزه‌های نظری، اعتقادی، اخلاقی و... می‌شود.

به‌باور نویسندگان مقاله مباحثی که در ماهیت خود به فقه مربوط می‌شوند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

قواعد درون فقهی و قواعد برون فقهی مانند آیات احکام (وحی الهی) به عنوان مبنای استنباط و اصول فقه که جنبه‌های گوناگون زندگی بشری را اعم از اجتماعی (احکام جنایی، اصول محاکمات، احکام مدنی، احکام مالی)، مناسبات درون خانوادگی (محاکمات)، مسائل شخصی هم چون عبادات سیاسی، احوال شخصیه و حتی روابط بین‌الملل در بر می‌گیرد. این خصوصیات ویژگی‌های منحصر به فردی به فقه بخشیده است که با وجود گوناگونی با هیچ کدام از نظام‌های حقوقی دیگر قابل سنجش نیست. پیوند و تأثیر متقابل فقه و اخلاق یا حجم قواعدی که در درون فقه پدید آمده و بیرون از آن شکل گرفته است و نیز رویکردهای استدلالی و مذاهب گوناگون تنها تورم مباحث مترکب اطلاعات نیستند. اگر به قواعدی که در «الفروق» قرافی آمده است، دقیق شویم ثابت می‌شود که هر کدام از آنها گره از مشکلی فردی یا اجتماعی می‌گشاید. کافی است به شماری از متون برخوردار از نقش تاریخی مانند «الرساله‌شافعی» نگریسته شود تا دریابیم که فقه با چنان فربگی (ژرفا و گسترش) نمی‌تواند بر پایه‌های سست بایستد.

کفایه آخوند خراسانی، با فضایی که به ویژه در اصول عملیه می‌گشاید (در تحولات اصولی امامیه)، موافقات شاطبی که بیان می‌دارد با به محاق رفتن اصول، اجتهاد و فقه هم، به محاق می‌رود. الفروق قرافی، که قواعدش مانند «حجه البالغه» معطوف به درک مقاصد و اسرار شریعت است و نیز دیگر متونی که در مقاصد و درک اسرار و علل شرایع نگاشته شده‌اند.

خاستگاه پیدایش فقه مقارن در تاریخ تشریح اسلامی، با رسمیت یافتن مشروعیت اختلاف در اجتهاد، از زمان صحابیان آغاز شد و از همان آغاز، از آن به "فقه‌الخلافا" یا "علم‌الخلافا" یاد می‌کردند و این اختلافات، در گسترهٔ ستوده‌اش، ناشی از تفاوت در فهم نصوص و دلایل (اختلاف اندیشه)، تعارض دلایل، ناآگاهی از دلایل، اختلاف قرائتها، اختلاف در نقد متن و روایت، مبانی پذیرفته شدهٔ فقیهان مذاهب، معین نبودن محل نزاع و... بود که از همان آغاز به پیدایی متونی در این زمینه منتهی شد.

در اهل سنت مهمترین منابع و آثار فقه تطبیقی عبارتند از: اختلاف‌الفقهاء، محمد بن جریر طبری، ابن جعفر طحاوی و محمد بن محمد باهلی، اختلاف‌العلماء، محمد بن نصر مروزی، الاوسط فی السنن والاجماع والاختلاف، ابن منذر، مختصر الکفایه، عبدی، بدایع الصنایع کاشانی، الخلافیات، بیهقی، بدایه‌المجتهد ابن رشد، الحاوی، ماوردی و بخشهایی از المغنی، ابن قدامه و...

که بعدها متون روشمندتری در دوران متأخر مانند الفقه‌الاسلامی و ادلته، وهبه زحیلی، الفقه‌الاسلامی المقارن، الدربنی، الفقه‌المقارن، محمدرافت، الفقه علی‌المذاهب‌الاربعه و... پدید آمدند. از منابع فقه مقارن امامیه نیز می‌توان از "الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام، شیخ مفید، الانتصار، سید مرتضی، الخلاف، شیخ طوسی" و از متأخرین "الفقه علی‌المذاهب‌الخمس، محمدجواد مغنیه و الفقه‌المقارن محمد ابراهیم جناتی" نام برد. آنچه در خوانش این متون اهمیت دارد، نه اختلاف نظرگاهها، بلکه فرصتی است که برای تضارب آراء، فهم متقابل، درک مبانی و روشهای اتخاذ شده در بیان مطالب فراهم می‌آورد و گذشته از این اختلافها می‌باید در فضای آزادی درنگ کرد که این آرای متفاوت در آن مجال ظهور یافته‌اند.

مبسوط و گستردگی منابع:

دربارهٔ گستردگی منابع کتاب المبسوط و روشمندی و انتقادات و مباحث احتمالی دیگر، باید در فرصت دیگری سخن گفت؛ اما آنچه مورد نظر این مقاله است، گستردگی منابع فقهی مذاهب اهل سنت در این کتاب است. آنچه از زمان تألیف اثر و روش به کار گرفته در آن به دست می‌آید، نشان از آن دارد که مؤلف دانشمند، این متون را شخصاً دیده و از مداخل، به رسم سنتی و دیرین فیش‌برداری کرده و منابع مشترک را به کتاب منتقل کرده است، البته این کار به تلاشی توانفرسا نیاز داشته است. نگارندگان این سطور با بررسی همهٔ منابع "مبسوط" مهمترین متون فقهی، قواعد فقه و اصول فقهی و مذاهب گوناگون فقهی اهل سنت (شافعی، حنفی، مالکی، حنبلی، ظاهری و تطبیقی) را استخراج کرده‌اند تا دورنمایی برای به دست آوردن چشم‌اندازی از منابع تطبیقی این مذاهب در این اثر به دست آید و در آغاز از گزارشی کوتاه از هر کدام از مذاهب ناگزیر بوده‌ایم.

به فقیهان پیرو امام اعظم، نعمان بن ثابت بن زوطی کوفی (۱۵۰-۸۰) اطلاق می‌شود که شاگردانش، ابویوسف یعقوب بن ابراهیم کوفی (۱۸۲-۱۱۳ هـ ق) و محمد بن حسن شیبانی (۱۸۹-۱۳۲ هـ ق) در تدوین مذهبش کوشیدند و زفر بن هذیل بن قیس (۱۵۸-۱۱۰ هـ ق) و حسن بن زیاد اللؤلؤی (م. ۲۰۴) تلاش‌های آنان را کامل کردند که به طور ویژه اساس فتوا در این مذهب، بیشتر نگاه و نظر اتفاقی صاحبین (ابویوسف و شیبانی) است. منابع فقه مذهب حنفی به طور خلاصه رأی و روایت و مبانی استنباط در آن، کتاب، سنت، فتاویٰ صحابیان، اجماع، قیاس، استحسان و عرف است.

منابع فقهی حنفی مورد استناد در مبسوط:

استاد جعفری لنگرودی در اثر خویش بیش از متون هر مذهبی از منابع فقه حنفیه بهره برده است (نظر به آنکه منابع مورد استناد فاقد کتابشناسی است، ویژگی‌های کلی متون، از کتابشناسی نگارندگان بیان خواهد شد):

- ۱) الخراج، قاضی ابویوسف، مشهورترین شاگرد ابوحنیفه. بولاق، ۱۳۰۲.
- ۲) رد المحتار، شرح ابن عابدین بر ((الدر المختار)) حصفکی است. مصر مطبعه البابی الحلبی، بی‌تا.
- ۳) احکام الذمیین و المستامنین، عبدالکریم زیدان، از معاصرین و از دانشمندان عراقی است. بغداد. جامعه بغداد، بی‌تا.
- ۴) الفرد و الدوله فی الشریعه الاسلامیه، عبد الکریم زیدان. بیروت. موسسه الرساله الناشرین. ۱۹۹۰.
- ۵) معین الاحکام، علا الدین طرابلسی (م ۸۴۴ هـ ق) مصر. مصطفی البابی الحلبی. ۱۳۹۳ هـ ق.
- ۶) المبسوط، محمد بن احمد بن ابی سهل السرخسی (م ۴۸۴ هـ ق) بیروت. مطبعه السعاده. بی‌تا.
- ۷) احکام القرآن، احمد بن الرزوی جصاص (م. ۳۷ هـ ق) بیروت. موسسه التاریخ العربی. ۱۹۸۲ م.
- ۸) بدایع الصنایع، ابوبکر بن مسعود الکاسانی (م ۵۸۷ هـ ق) بیروت دار الکتب العلمیه ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۹) مجموعه رسایل ابن عابدین، محمد امین افندی حنفی، مشهور به ابن عابدین (۱۲۵۲-۱۱۹۷ هـ ق) بیروت. دار احیاء التراث العربی. بی‌تا.
- ۱۰) مجمع الضمانات فی مذهب الامام الاعظم، غیاث الدین، ابو محمد بن غانم بن محمد بغدادی (م ۱۰۳۰ هـ ق) بیروت دار الکتب الاسلامی. ۲۰۱۰ م.
- ۱۱) جواهر الاحکام، سراج الدین علی الفرغانی ماتریدی حنفی.
- ۱۲) الرد علی سیر الاوزاعی، قاضی ابی یوسف که در رد نظرگاه‌های فقهی، نظر به اختلاف نظر گاه‌های حنیفه و اوزاعی نوشته شده است..

۱۳) البحر الرائق، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، معروف به ابن نجم مصری (۹۷۰-۹۶۹-۹۲۶ هـ ق) مصر. مطبعه البابی الحلبی. ۱۳۲۴ هـ ق.

۱۴) جامع الفصولین، محمود بن اسرائیل، مشهور به ابن قاضی صماوئه، که موضوع آن خصومت و دعاوی است.

۱۵) تبیین الحقایق فی شرح کنز الدقایق، عثمان بن علی بن محجن بن البارعی، فخرالدین الزیعلی الحنفی (م ۷۴۳ هـ ق) هند. المطبعه الامیریه. بی تا.

۱۶) مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابرار، عبدالله بن شیخ محمد بن سلیمان، معروف به داماد افندی. بیروت. دار الکتب العلمیه. ۱۴۱۹ هـ صصق.

۱۷) شرح کتاب السیر الکبیر، محمد بن احمد السرخسی که شرحی است بر ((السیر الکبیر)) شیبانی شاگرد ابوحنیفه. فقیه و اصول حنفی.

۱۸) الفتاوی الهندیه. جماعه من علما الهند. بیروت دار الفکر. ۱۴۱۱ هـ ق.

۱۹) فتح المعین بشرح قره العین بمهمات الدین، احمد بن عبد العزیز بن زین الدین بن علی بن احمد المصری الملیباری الهندی.

۲۰) فتاوی، قاضیخان، فخر الدین حسن بن منصور الاوزجندی الفرغانی (م ۵۹۲ هـ ق) منابع اصول فقه حنفی

در ((مبسوط)) از سه متن اصولی حنفی استفاده شده است که عبارتند از: ۱) اصول الفقه/محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الائمه السرخسی (م ۴۸۴ هـ ق)؛ ۲) شرح المنار، نسفی عینی؛ ۳) اصول الفقه، محمد حضری بک (معاصر)

۲) مالکیه:

به فقیهان پیرو مالک بن انس (۱۷۲-۹۳ هـ ق) اطلاق می شود. مالک بن انس، فقیه دارالهجیره، مدینه منوره بود که کتابش "الموطا" که بر پایه رسم مقرر در تصویب مباحث فقهی سامان داده شده در احادیث احکام بین عام و خاص شهرت دارد و برخی به جای سنن ابن ماجه آن را از صحاح شش گانه می دانند و منهجش بین رأی و روایت، جایگاهی میانه دارد.

مبانی استنباط در فقه مالکی را ۹ مورد دانسته اند که ۵ مورد از آن اصلی است؛ کتاب الله و سنت رسول الله، قول صحابیان، اجماع، علم مردم مدینه و چهار مورد فرعی هم عبارتند از قیاس و استحسان و عرف و سد ذرایع و مصالح مرسله که فقیهان مالکی برای مصالح مرسله سه شرط قائلند: ۱) با اصول اسلام منافات نداشته باشد. ۲) نزد خردمندان پذیرفته باشد. ۳) به مدلول آیت "ما جعل علیکم فی الدین من حرج" حرجی را از مردم بردارد.

متون فقهی مالکیه مورد اسناد در مبسوط:

۱. تفسیر قرطبی ((الجامع الاحکام القرآن الکریم)) در ((مبسوط)) بارها به تفاسیری از قبیل تفسیر الکبیر فخرالدین رازی استناد شده است. اما تفسیر قرطبی اثر محمد بن ابی بکر بن فرح الانصاری الخزرجی (۶۷۱-۶۰۰ هـ.ق) به دلیل ماهیت عمدتاً فقهی بارها مورد استناد قرار گرفته است.
۲. الشرح الصغیر، احمد بن محمد بن احمد الدردیر (۱۲۰۱-۱۱۲۷ هـ.ق) از فقیهان برجسته مالکیه
۳. الفروق، احمد بن ادريس بن عبدالرحمان (۱۲۰۱-۱۱۲۷ هـ.ق) بیروت. المكتبة العصریه ۱۴۲۴ هـ.ق. که در مبحث قواعد از آن سخن خواهیم گفت.
۴. القوانین الفقهیه (قوانین الاحکام)، محمد بن احمد بن جزی فاس. مطبعه النهضه. بی.تا.

۳- الشافعیه:

در مبسوط به متون فقه شافعی هم مانند منابع فقه حنفی بسیار استناد شده است. شافعیه به فقیهان پیرو مذهب محمد بن ادريس شافعی (۲۰۴-۱۵۰ هـ.ق) اطلاق می‌شود. کتاب، سنت، اجماع و قیاس از مبانی استنباط در فقه شافعی به شمار می‌آیند که در کتاب "الرساله" در اصول فقه به آن تصریح کرده است و بین اصحاب رأی و اصحاب حدیث حالتی میانه دارد.

صاحب مبسوط از منابع زیر در فقه شافعی در اثر خود استفاده کرده است:

۱. الام: محمد بن ادريس شافعی که اصولاً از آن به "الشافعی" یاد می‌کند این کتاب در واقع دربردارنده فقه و مذهب شافعی است. بیروت دار المعرفه. ۱۳۹۳ هـ.ق.
۲. احکام السلطانیه، ابوالحسن، علی بن محمد بن محمد بن حبیب بصری بغدادی (۴۵۰-۳۴۶ هـ.ق)
۳. الحاوی للفتاوی، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، (م ۹۱۱ هـ.ق)، دارالفکر، بی.تا.
۴. الانوار الاعمال الابرار، جمال الدین یوسف بن ابراهیم اردبیلی شافعی (م ۸۰۷ هـ.ق)
۵. الاشباه و النظایر، جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، (م ۹۱۱ هـ.ق)، لبنان، دارالکتب العلمیه، (۱۴۱ هـ.ق/۱۹۹۰م). یکی از مشهورترین کتاب‌های فقهی شافعی است که هم قواعد فقهی و نیز فروع و مسایل جزئی فقهی در آن آمده و اصولاً مباحث آن به موضوعاتی مربوط می‌شود که یا در دیگر متون نیامده و یا کمتر به آنها پرداخته شده است.

۶. ادب القاضی، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب بصری بغدادی، (۴۵۰-۳۴۶ هـ.ق)

۷. الفتاوی الفقهیه الکبری، احمد بن علی بن محمد ابن حجر الهیتمی المکی (۹۷۴-۹۰۹ هـ.ق)، بزروت دارالفکر. بی.تا. مجموعه‌ای گسترده از پرسش‌های مهمی است که از این حجر استفاده شده و او نیز پاسخ داده است.

۸. الفوائد المننيه فيمن يفتى بقوله من ائمه الشافعيه، محمد بن سليمان الكردي الشافعي (۱۱۹۷-۱۱۲۷ هـ.ق).

۹. مغنى المحتاج اليدمعرفه معاني الفاظ المنهاج، شمس الدين، محمد بن احمد الخطيب الشرييني الشافعي (م ۹۷۷ هـ ق) لبنان، دارالكتاب علميه، ۱۴۱۵، هـ.ق. ۱۹۹۴ م.

۱۰. نهايہ المحتاج الى شرح المنهاج، شمس الدين محمد بن ابى العباس احمد بن حمزه بن شهاب الدين الرملى المنوفى المصرى الانصارى (م، ۱۰۰۴ هـ.ق). بيروت. دار الفكر. ۱۴۰۴ هـ ق

۱۱. فتاوى السبكي، ابى الحسن، تقى الدين على بن عبدالكافى السبكي (۷۵۶-۶۸۳ هـ.ق) لبنان، بيروت، الدار المعرفه.

۱۱. المجموع، شرح المذهب، محيى الدين، ابو زكريا، يحيى بن شرف النووى (م ۶۷۶ هـ.ق) از مهمترين كتابهاى فقهى شافعيه (كه جنبه تطبيقى هم دارد)، لبنان دارالفكر، ۲۰۱۰ هـ ق.

۱۲. احيا علوم دين (ترجمه فارسى)، محمد بن محمد غزالى طوسى (۴۵۰-۵۰۵ هـ ق). تهران ۱۳۵۱

۱۳. اعانه الطالبين، على حل الفاظ فتح المعين، عثمان محمدشطاالكبرى الدمياطى (م، ۱۳۱۰ هـ.ق)، لبنان، دار الفكر الشافعى للطباعه والنشر و التوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۹۹۷ م.

۱۴. المذهب فى فقه الامام الشافعى، ابواسحاق ابراهيم بن على بن يوسف الشيرازى (م ۴۷۶ هـ.ق)، لبنان، دار المکتب العلميه، ۲۰۱۰ م

۱۵. فتح الجواد شرح الارشاد على متن الارشاد، احمد بن على بن محمد بن على بن حجر الهيثمى المكى الشافعى (۹۷۴-۹۰۹ هـ.ق)، لبنان، دارالكتاب علميه، ۱۴۲۶ هـ ق، ۲۰۵ م

۱۶. كفايه الاخبار فى حل غايه الاختصار، ابوبكر، محمد بن عبدالمومن بت جرير بن معلى الحسينى الحصنى الدمشقى الشافعى (۸۲۹-۷۵۲ هـ.ق)، جده، دار المنهاج، چاپ دوم، ۱۴۲۹ هـ ق ۲۰۰۸-م.

متون اصولى شافعى مورد استناد در مبسوط

۱. المستصفا من علم الاصول، محمدين محمد غزالى طوسى (۵۰۵-۴۵۰ هـ ق)، بيروت دار الكتاب العلميه، ۱۴۱۳ هـ ق

۲. الاحكام فى اصول الاحكام، سيفالدين على بن ابى على بن محمد بن سالم ثعلبى آمدى (م ۶۳۱ هـ.ق)، بيروت، المکتب الاسلامى، ۲۰۱۰ م.

۴- حنبليه:

فقيهان بيروان مکتب فقهى احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس بن عبدالله الشيبانى المروزى البغدادى (۲۴۱-۱۶۴ هـ.ق)، منابع فقه حنبلى عبارتند از: كتاب خدا، سنت رسول خدا (ص)،

فتاویٰ صحابیان، قیاس (در صورت ضرورت) که اینها مصادر اصلی استنباط در فقه حنبلی هستند، ولی فقیهان حنبلی به منابع فرعی نیز گاهی نظر دارند که عبارتند از: استصحاب، مصالح و ذرایع. فقیهان حنبلی درباره اجماع اما نقطه‌نظرهایی دارند. آنان بر این باورند که تحقق اجماع بسیار دشوار است.

متون فقهی حنبلی مورد استناد در مبسوط:

۱. اعلام الموقعین عن رب العالمین، محمد بن ابی بکر مشهور به ابن‌القیم الجوزیه، (۷۵۱-۶۹۱ هـ ق) بیروت، دارالجلیل، ۱۹۷۳.
 ۲. المغنی، عبدالله بن احمد بن محمد بن قدامة مقدسی، اردن، بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴.
 ۳. احکام اهل الذمه، محمد بن ابی بکر مشهور به ابن‌القیم الجوزیه (۷۵۱-۶۹۱ هـ ق)، الدمام، رمادی للنشر، ۱۴۱۸ هـ ق. ۱۹۹۷ م.
 ۴. العذب الفائض، شرح عمده الفارض، ابراهیم بن عبدالله بن ابراهیم بن سیف الشمری الحنبلی، بیروت، دار الفکر.
 ۵. کشف القناع عن متن الاقناع، منصور بن یونس بن ادیس البهوتی، لبنان دارالفکر ۱۴۰۲.
 ۶. بدایه المجتهد، محمد بن احمد بن محمد بن رشد القرطبی، مشهور به ابن رشد حنفی (م ۵۹۵ هـ ق)، مصر، مطبعه البابیه الحلبی و اولاده. ۱۳۹۵ هـ ق / ۱۹۷۷ م.
- ### متون قواعد فقه:

۱. الاشباه و النظائر، زین الدین بن ابراهیم بن محمد معروف به ابن نجیم مصری (حنفی)، مصر، دار الطباعه العامره، ۱۲۹۰ هـ ق.
 ۲. القوائد الفقه الاسلامی، عبد الرحمن بن احمد بن رجب حنبلی (م ۷۹۵ هـ ق). مصر، مکتبه الکلیات الأزهریه. ۱۳۹ هـ ق / ۱۹۷۱ م.
 ۳. الفروق (انوار البروق فی أنواع الفروق)، احمد بن ادیس الصنهاجی القرافی (م ۶۸۴ هـ ق) بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۶۸ هـ ق / ۱۹۹۸ م.
- متنی است در علم قواعد و فروق و کلیات و ضوابط فقهی که یکی از کامل‌ترین متون در این زمینه است.
۴. درر الحکام، شرح مجله الأحکام، علی حیدر خواجه امین افندی (قواعد فقه حنفی و همچنین فقه حنفی)، بیروت، دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ هـ ق / ۲۰۰۳ میلادی.
 ۵. المواهب السنیه علی نظم الفرائد البهیة، فی نظم القواعد الفقهیه (فی الاشباه و النظائر علی منهل الشافعیة)،

ابی الفیض، محمد یاسین بن عیسی الفادانی المکی، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، ۱۴۱۷ هـ / ق / ۱۹۹۶ م. این‌ها عمده‌ترین متونی هستند که در قواعد فقه مذاهب اهل سنت بیشتر مورد استناد قرار گرفته‌اند.

متون عام و تطبیقی فقهی و اصولی:

۱. موسوعه عبدالناصر الفقهیة (موسوعه الفقه الإسلامی)، وزارة الاوقاف المصریة قاهره، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م.
۲. نیل الأوتار، من أحادیث سید الأخیار، شرح منتقی الأخبار، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، (۱۱۷۳-۱۲۵۰ هـ / ق)، الدمام، دار ابن جوزی.
۳. المحلی، علی بن احمد بن سعید بن حزم الظاهری الاندلسی، (۳۸۳-۴۵۶ هـ / ق)، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، بی‌تا.
۴. الأحكام فی اصول الأحكام، علی بن احمد بن حزم اندلسی (۳۸۳-۴۵۶ هـ / ق) قاهره، دار لحدیث.
۵. المعتمد فی اصول الفقه، محمد بن علی بن الطیب البصری المعتزلی (م ۴۳۶ هـ / ق) دمشق، المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیة، ۱۳۸۴ هـ / ق / ۱۹۶۴ م.
۶. موسوعه العقاد الإسلامیة، عباس محمود، عقاد، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۳۹۱ هـ / ق / ۱۹۷۱ م.
۱. الأموال، قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴ هـ / ق)، قاهره، ۱۳۹۵ هـ / ق.
۲. المدخل فی الفقه الإسلامی، محمد مصطفی الشلبی، قاهره، دار النهضة العربیة، ۱۹۸۵ م.

نتیجه‌گیری:

از مجموع آنچه گفته شد نتیجه گرفته می‌شود، صاحب مبسوط، در گستره‌ای قابل قبول، از اصلی‌ترین متون مذاهب فقهی و اصولی اهل سنت بهره برده است. هر چند جا داشت متون اصولی بیشتری را مورد استناد قرار دهد. ارجاعات استاد جعفری لنگرودی در این اثر، به ویژه، برای محققانی که می‌خواهند در موضوعات جزئی‌تری پژوهش کنند، بسیار مفید و راهگشا است.

منابع و مأخذ:

۱. ابن ندیم، محمد بن اطحاق (۱۳۹۸ هـ ق)، الفهرست، بیروت، دار المعرفه.
۲. الجزیری، عبد الرحمن (بی تا)، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، شرکه دار الارقم بن ابی الارقم.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۶)، حقوق اموال، تهران، گنج دانش.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران گنج دانش.
۵. حاجی خلیفه، المولی مصطفی بن عبدالله القسطنطینی الرومی الحنفی (۱۴۱۳ هـ ق)، کشف الظنون، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. زحیلی، وهبه (بی تا)، الفقه الاسلامی وادلته، دمشق، دار الفکر.
۷. زرکلی، خیر الدین (۲۰۰۲ م)، الاعلام، بیروت دار العلم للملایین.
۸. سرکیس، یوسف الیان (۱۳۴۶ هـ ق)، معجم المطبوعات، مصر، مطبعه سرکیس.
۹. الشکعه، الایمه الاربعه (۱۴۱۱ هـ ق)، قاهره، دار الکتاب المصری.
۱۰. منابع مورد استناد در "مبسوط" به تفصیل متن مقاله.

Bibliography of jurisprudential texts and regulations of Sunni Jurisprudence in Expanded

Masoud Ansari¹

Mohammad Ali Taheri²

Abstract

The extant study aims to study the comparative aspects of “The Expanded” book written by Jafari Langarudi by introducing and identifying Sunni references (in three contexts of jurisprudential, regular, and jurisprudential regulations). As the value and credit of each text subject to its references, such research will indicate the extent and depth of conducted comparative studies in this field. This study was carried out based on a sentence quoted from the author of the studied book, “It is beneficial to apply the comparative method in many legal issues.”³

Authors of this paper believe that high referrals in the book “Expanded” to jurisprudential, regular references, and Sunni jurisprudential regulations have enriched the comparative aspects of books of Jafari Langarudi, which implies his familiarity with relevant sciences and Arabic language and literature. Therefore, this paper tries to give an image of the author's documentation of Sunni references in the abovementioned fields. The study aims to make the audiences of Islamic jurisprudence and law familiar with authenticated references in particular “Expanded” (Al-mabsout) Book.

Ultimately, it should be noted that this study only focused on jurisprudential and regular texts and jurisprudential regulations due to time and capacity limits. This paper did not study irrelevant references because there are numerous Islamic references, especially in interdisciplinary texts and documentation on various references in books written by Langarudi.

Keywords: Comparative Jurisprudence, Fegh Al-mogharen (Comparison of opinions of jurisprudential and regular jurists), Bibliography, Jurisprudential References of Sunnis, Hanafi Fegh and Principles, Maleki, Shafei

¹ Researcher and Translator

² A faculty member of Birjand University

³ Jafari Langarudi, M. J. (1997). Property Rights, Ganj Danesh, Preface.